



یادداشت

انقلاب ژینا، با اتحاد و همبستگی ما پیروز می شود!

صادق کار



شب گذشته ابتدا خبرنگاران دهنده کشته شدن جواد روحی منتشر شد لختی بعد انکار جانان حاکم مبنی بر نقش نداشتن شان در این قتل. انکار نامه ها و ادبیات نوشتاری آنان، انگار کپی قتل‌های قبلی است. بهمین جهت هیچکس را فریب نداد و گمراه نکرد، بلکه بر کینه و نفرت مردم از عاملان حکومتی جنایتکار قتل جواد روحی افزود و موجی از همبستگی و همدلی با خانواده داغدار او را برانگیزاند. اتحاد

همه می دانند که عده زیادی از مقاومترین دختران و پسران رزمنده مردم زیر شکنجه های جلادان و بازجویان آتش به اختیار رهبر جنایتکار حکومت در زیر شکنجه با وحشیانه ترین ابزار آلات شکنجه به خاطر آزادیخواهی جان باخته‌اند. و همه می دانند که اکثر جانباختگان عامدانه برای کشته شدن شکنجه شده‌اند و گر چه ممکن است تعدادی نیز بدون قصد قبلی زیر شکنجه به قتل رسیده باشند

در هر صورت نتیجه یکی است. اسامی تعدادی از جان باختگان راه آزادی و عدالت اجتماعی تا کنون به رغم تهدید و فشار به خانواده هایشان منتشر شده است. اما آمار از همه ی به قتل رسیدگان در دست نیست. یکی از اهداف قتل های زیر شکنجه مسلما ایجاد رعب و ترس در میان مردم برای دست برداشتن از مبارزه آزادیخواهانه است. قتل جواد روحی از آنجا که در نزدیکی سالگرد قتل ژینا و شروع انقلاب زن، زندگی، آزادی انجام گرفته است، از جنس قتل های عمدی است. هم این قتل و هم گستردگی بی سابقه بگیر و به بند های شبانه روزی چند هفته اخیر و تلاش ها برای شکار مبارزان و حامیان و سازمانگران اعتراضات و نهادهای مدنی برای جلوگیری از سازماندهی اعتراضات جدید در سالگرد قتل ژینا و انقلاب زن، زندگی، آزادی و هراس از شعله ور شدن خشم جامعه ای است که انگیزه فراوان برای تداوم جنبش انقلابی دارد. هم از این رو برای برپایی اعتراضات و اعتصابات در روزهای منتهی و بعد از سالگرد، لازم است تلاش و مقاومت مضاعف نمود و به جنایتکاران حاکم نشان داد که نمی توانند با تشدید سرکوب و توسل به روشهای وحشیانه حرکت انقلاب را متوقف نمایند

یکی از راه های متوقف کردن این جنایات برپا داشتن اعتراض گسترده در هر جای ممکن به هر طریق با خواست آزادی تمام زندانیان سیاسی، افشای جنایات رژیم، مراجعه به نهادهای بین المللی حامی حقوق بشر و افزایش فشار به رژیم با تجمع و تحصن در مقابل دفاتر سازمان ملل و سفارت های رژیم در



کشورهای مختلف است. بیایید اتحاد و همبستگی را با اقدامات مشترک از همین جا شروع کنیم. این حداقل کاری است که باید انجام دهیم

نباید از یاد برد انجام این جنایات هم علامت ترس و ضعف رژیم است و هم نشانه توش و توان بالای مردم برای ادامه انقلاب و زنده بودن و بالندگی جنبش. رژیم با همه نیروی سرکوب خود به مقابله با جنبش برخاسته است. اما امکانات و ظرفیت جنبش انقلابی زن، زندگی، آزادی بسیار بیشتر از ظرفیت و توان رژیم است. این ظرفیت را می توان و باید با رفع کمبودها و بکار گیری روشهای متنوع تازه و تعمیم مطالبات جنبش از فعل به فوه درآورد

تقریباً همه گروه های اجتماعی آینده روشنی برای خود در این رژیم نمی بینند و هریک به شکلی بدون هماهنگی اعتراض خود را بروز می دهند. هر یک از گروه ها به غیر از اینکه خواهان آزادی و دموکراسی و مخالف حکومت دینی هستند، مطالبات خاص خود را نیز دارند که هنوز در میان مطالبات جنبش جای خود را پیدا نکرده اند. حمایت از مطالبات منطقی گروه های اجتماعی مختلف، مثل کارگران، معلمان، بازنشستگان، پرستاران، دانشجویان، اقلیت های ملی و قومی و مذهبی، که نیمی از آنها زن هستند لازم است با مطالبات بر حق جنبش زن، زندگی، آزادی و مبارزات همه آنان درهم بیامیزند و ظرفیتی را خلق کنند، تا بتوانند سریعتر و هر چه کم هزینه تر طومار رژیم فقاقتی، این دشمن مشترک را در هم بیچند

خامنه ای جنایتکاری که سر نخ همه جنایات رژیم را در دست دارد، در سخنرانی ۵ اردیبهشت خود با تاکید بر سیدگی به معیشت خراب مردم و کاهش تورم، و تأیید و تحسین اقدامات و آمارهای جعلی دولت تلاش کرد با ایجاد امیدواری نسبت به بهبود شرایط اقتصادی در میان مردم از تبدیل اعتراضات گسترده معیشتی و اقتصادی به اعتراضات سیاسی و پیوستن گروه های ناراضی به هم دیگر جلوگیری کند. یکی از ترفندهای رژیم آن است که به انجا مختلف مانع از یکی شدن صفوف گروه های ناراضی و شرکت فعال آنان در جنبش انقلابی شود. تاکتیک درست در مقابل خامنه ای، باید معطوف به تلاش برای همراه کردن گروه ها با یک دیگر باشد

سالگرد انقلاب ژینا را بیاید به سر فصلی برای اتحاد و همبستگی و پیروزی مردم بر استبداد و بی عدالتی و هر نوع تبعیض و نابرابری و آزاد نمودن زندانیان سیاسی تبدیل کنیم. بگذاریم صدای آزادی خواهی در هر تجمع و اعتراضی طنین انداز شود و در سراسر کشور پژواک بیاید. و به سرود رهایی مردم ستمدیده این سرزمین مصیبت دیده و فقر زده تبدیل شود. ایمان بیاوریم که انقلاب ژینا با اتحاد و همبستگی و حمایت مردم پیروز می شود. اسباب و امکانات پیروز وجود دارد، فقط باید آن را سازمان داد!

نخستین سالگرد انقلاب فرخنده، زن، زندگی آزادی، را با برپایی اعتراض و اعتصاب و درخواست توقف سرکوب و آزادی زندانیان سیاسی برگزار کنیم!

ما از جنبش زن، زندگی، آزادی و مطالبات دمکراتیک و مترقی آن حمایت می کنیم!

برقرار و مستحکم باد پیوند میان جنبش زن، زندگی آزادی با جنبش مطالباتی کارگران و مزد و حقوق بگیران!



کار کودک: علل و عواقب تداوم فقر بخش هفدهم و پایانی
برنامه بین‌المللی برای محو کار کودک
ژان مانیات



کودکان تحصیل (کار سابق)

نتایج و توصیه‌ها 3

توصیه‌ها 3.2

در ادامه، توصیه‌های اصلی مبتنی بر این مطالعه را ارائه می‌کنیم، که برخی از آنها در همان راستائی اند که در "دستور کار نیمکره جنوبی برای ایجاد کار شایسته" توسط سازمان بین‌المللی کار به دست داده شده‌اند.

1. لازم است در برنامه‌ها و راهبردهای توسعه ملی و کاهش فقر، اقداماتی صریح برای رعایت حداقل سن ورود به بازار کار و منع مؤثر بدترین اشکال کار کودک در نظر گرفته شود. اما همچنین برای تحقق این اقدامات باید اهداف، بازه‌های زمانی، مقامات مسئول و شاخصهای پیگیری در برنامه‌های توسعه ملی تعریف و گنجانده شوند. همچنین باید تأمین هزینه اقداماتی مورد نظر و منابع لازم برای اجرای آنها تضمین شود.
اهداف تعریف شده باید مطابق با اهداف ذکر شده در "دستور کار نیمکره جنوبی برای ایجاد کار شایسته" باشند و توسط کشورها پذیرفته شوند؛ مشخصاً الف) حذف بدترین اشکال کار کودکان در یک بازه زمانی 10 ساله، و ب) حذف کامل کار کودک در یک بازه زمانی 15 ساله
2. اجرای قوانین ملی و تعهدات بین‌المللی برای ریشه‌کن کردن کار کودکان باید از اولویتهای هر دولت باشد و بر فراز دولتها قرار گیرد. با توجه به روال برخی کشورها (گاهی به دلیل الزام قانونی) که هر دولت باید برنامه توسعه ملی جدیدی تهیه کند، مسئله کار کودک باید به طور مداوم در برنامه‌های توسعه ملی منعکس شود و چنان که گفته شد، در اولویتهای اجرایی هر دولت جدید قرار گیرد. برای اطمینان از این که اولویت ریشه‌کنی کار کودکان در طول زمان حفظ خواهد شد، باید به توافقات یا پیمانهای ملی علیه کار کودکان دست یافت که در آن بخشهای مختلف اجتماعی هر کشور مشارکت داشته باشند.
3. با توجه به این که برخی از کشورها فاقد برنامه برای توسعه ملی اند و در برخی از آنها برنامه‌های رؤسای جمهور در مرحله نامزدی ریاست جمهوری کارکرد مشابهی دارد، تدوین یک "برنامه ملی برای پیشگیری و ریشه‌کنی کار کودکان" ضرورت دارد، تا بتواند نقشی مؤثر در این زمینه، و امکان تبدیل شدن به سیاستهای پایدار دولتی را داشته باشد.
این طرحها عناصر ضرور برای دستیابی به اهداف پیشنهادی در زمینه کار کودکان را تشکیل می‌دهند، اما به خودی خود کافی نیستند، و به واقع باید با سیاستها، برنامه‌ها و راهبردهای گسترده



تری تکمیل شوند

همچنین اهمیت دارد که "مقام" این طرحها ارتقاء یابد، به این معنا که حوزه‌های اصلی دولت و نه تنها کمیته‌های کوچک در تهیه آنها مشارکت کنند. همچنین به این معنا که این طرحها مشتقات برنامه‌های توسعه عمومی تلقی نشود، برنامه‌های مستقلی با اهداف، آرمانها و اقدامات خاص خود اند، و به این عنوان هم در برنامه‌های توسعه گنجانده شوند

با تأیید تأثیر کار کودکان در تداوم فقر، حذف کار کودک باید به روشنی در راهبردهای کاهش فقر 4. گنجانده شود. مشابه برنامه‌های توسعه ملی، در طرحهای ناظر بر کاهش فقر نیز، باید اهداف، آرمانها و اقدامات مشخصی را تعریف کرد که امکان پیشروی به معنای مطلوب را فراهم می‌آورند، تصریح شاخصهای پیگیری در این برنامه‌ها برای سنجش پیشرفت ضروری است، و به همین ترتیب، هزینه‌های اقدامات نیز باید کمیته‌گذاری شود و منابع لازم تخصیص داده شوند. در نهایت، ارتباط مناسب راهبردهای کاهش فقر با برنامه‌های توسعه ملی و با برنامه‌های ملی پیگیری و ریشه‌کنی کودک کار (هر یک از این برنامه‌ها با دو برنامه دیگر) ضرورت دارد

ریشه‌کنی کار کودکان مستلزم شناخت وضعیت خاص کودکان شاغل و خانواده‌های آنان، و 5. سرمایه‌گذاری در آموزش و پرورش است که تضمین‌کننده دسترسی همه کودکان به آموزش با کیفیت است. دولت‌ها باید متعهد شوند که منابع لازم را به آموزش و پرورش اختصاص خواهند داد و پایداری آن را نیز تضمین خواهند کرد

برنامه‌های کمک هزینه مشروط نقدی ابزار مهمی برای افزایش ماندگاری و پیشرفت تحصیلی همه 6. کودکان کار در همه کشورهای است و برای ریشه‌کنی کار کودکان اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کند، زیرا هزینه فرصت کار و سایر هزینه‌های مستقیم آموزش را باید برای خانواده‌های فقیر جبران کرد به همین دلیل، برنامه‌هایی از این نوع که اجرا می‌شوند، باید به صراحت در میان اهداف خود ریشه‌کن کردن کار کودکان را منظور کنند. به علاوه باید در نظر داشت که این نوع برنامه‌ها به خودی خود هیچ نتیجه‌ای را تضمین نخواهند کرد اگر، از جمله، ضرورت دخالت‌های لازم از سوی دولت را به صورت عرصه امکان مناسب آموزش (به لحاظ پوشش و کیفیت) در ارتباط با هزینه‌های عمومی برآورده نکنند

کمپین‌های ملی گسترده و مداوم که به وضوح و با قاطعیت این پیام را آشکار کنند که "کار کودکان، 7. فقر آنان را تداوم می‌بخشد. آنان تنها در صورت حضور پایدار در مدرسه است که می‌توانند بر این وضعیت غلبه کنند؛ خواه وضعیت خودشان و خواه خانواده‌شان

نقش سازمانهای بین‌المللی از چند جهت کلیدی است. اینها باید دفاتر وکلا را بین دولت‌ها و جامعه 8. مدنی ایجاد کنند تا موضوع ریشه‌کنی کار کودکان را به عنوان یک اولویت ملی، و یک اولویت دولتی، ارتقاء دهند و میثاقهای ملی ذکر شده در این زمینه را ترویج کنند. آنها همچنین باید از ابتکارات دولت‌ها و جامعه مدنی در زمینه تدوین قوانین ملی حمایت کنند. بر تحقق اهداف و آرمانهای برنامه‌ها و راهبردهایی که کشورها در موضوع کار کودکان به آنها متعهد شده‌اند نظارت کنند

همچنین مشاوره فنی و تخصصی آنان برای تدوین و پیگیری برنامه‌ها و راهبردهای مربوط به کار کودکان دارای اهمیت ویژه است

مبارزه متحدانه برای توقف اعدام‌ها و آزادی کلیه زندانیان سیاسی را تشدید کنیم!

**کمیته‌های اعتصاب را در کارخانه‌ها و ادارات تشکیل دهیم!
اتحاد، اعتراض، اعتصاب، نبرد تا رهایی!**



اعتصاب و اعتراض کارگران ذغال سنگ طبس علیه کار پیمانی
خانواده های کارگران هم به اعتراض پیوستند!
صادق



در ۸ شهریور کارگران شرکتی معدن زغال سنگ طبس به اتفاق خانواده های خود و در اعتراض به کار شرکتی در مقابل استانداری خراسان جنوبی تجمع و خواستار استخدام رسمی شدند. کارگران معترض پس از چند روز تجمع بی نتیجه در محل کار خود به اتفاق خانواده های شان مبادرت به تجمع مقابل استانداری نمودند.

به نوشته خبرگزاری ایلنا کارگران معترض برای یک شرکت پیمانکاری بنام «شرکت الماس شرق گلشن» کار میکنند. به گفته یکی از کارگران کارهای شرکت را به چند شرکت پیمانکاری سپرده اند و هیچ نظارتی بر کار آنها وجود ندارد.

این اعتراض در واقع در ادامه یک رشته از اعتراضات و در ارتباط با طرحی است که قرار است ساماندهی کارکنان شرکت های پیمانی را با رسمی کردن آنان به انجام برساند. قانون مذکور از حدود دوسال و نیم پیش به این سو در حال پاسکاری بین نهادهای حکومتی است و این نهادها که همگی شان از اساس مخالف هر طرحی برای رسمی کردن کارگران پیمانی که کوچکترین خللی در سودهای سرشار و آسان شرکت های پیمانکاری بوجود آورد، با ایجاد موانع می کوشند مانع از تصویب و اجرای طرح شوند، یا لاقط قانون را طوری تنظیم کنند که راه گریزهایی برای صاحبان پرنفوذ شرکت های پیمانکاری در آن وجود داشته باشد.

از اول نیز هیچکدام از این نهادها از اساس با این طرح موافق نبودند و بعد از اعتصاب بزرگ و بی نظیر ده ها هزار کارگر شرکت های پیمانکاری نفت و پتروشیمی که یکی از خواسته های اصلی شان انحلال شرکت های



پیمانکاری و استخدام رسمی بود، برای ایجاد تفرقه در اعتصاب و تن ندادن به مطالبات اعتصابیون و خرید وقت در ظاهر پذیرفتند که تعیین تکلیف را به مجلس بسپارند.

مجلس نیز که خود از حامیان این شرکتها است ظاهرا طرح دم و گوش بریده‌ای را متأثر از فضای انقلابی حاکم بر جامعه به تصویب رساند و حالا وظیفه مخالفت با طرح را به دولت و دیگر نهادهای حکومتی سپرده است تا کارگران را همچنان سربدوواند و در فرصت مناسب اگر پیش آمد طرح را به سرنوشت طرح های مانند، رتبه بندی و همسان سازی دچار کنند.

از رژیمی که هر روز بخشی از قوانین پیشین کار را که اندکی جنبه حمایتی دارند از میان بر می دارد و قوانین ضد کارگری تازه‌ای به جای آنها می گذارد، دور از انتظار و منطقی و روال است که قانونی برای رسمی کردن کارگران شرکتی و پیمانکاری به تصویب برساند.

هم اکنون نیز درست همزمان با اعتراض کارگران معدن شماره یک ذغال سنگ، طبس، خبر گزاری ایلنا از مخالفت شورای نگهبان و شورای تشخیص مصلحت با بخشی از طرح مذکور به رغم انجام تغییرات مد نظر شورای نگهبان توسط مجلس خبر داده است. قبل از این نیز نماینده دولت به دلیل ایجاد بار مالی از اساس با طرح مخالفت کرده و گفته بود، دولت نمی تواند آن را ابخاطر بار مالی که دارد، اجرا کند. ادعای نماینده دولت در این مورد کذب محض است. دولت با رسمی کردن کارگران ضرر که نمی کند هیچ، منفعت هم می برد زیرا در نهایت بخشی از ارزش اضافی تولید شده توسط کارگر را بجای دادن به دلالتان بازار کار به خود کارگر می دهد و کارگر هم حتمی وقتی راضی تر باشد بازدهی کارش بیشتر و اعتراض اش کمتر می شود.

اما مشکل آنجاست که نهادهای حکومتی چون منافع گروهی و شخصی مشترک با پیمانکاران دارند، نگران از دست دادن منافع خود در اثر برچیدن بساط دلالتی و رانتخواری از بازار کار هستند.

کارگران ذغال سنگ طبس به مانند دهها هزار کارگر پیمانکاری و شرکتی اکنون در عمل متوجه شده‌اند، بیش از این نباید منتظر وعده‌های مجلس و تشکلهای حکومتی برای رسیدگی به مطالبات شان بنشینند و خود راسا باید با اعتصاب و سازماندهی مبارزه ثمرمند برای لغو کار شرکتی و پایان دادن به استثمار مضاعف توسط شرکتهای دلال وارد گود شوند. اگر راهی برای نجات از سلطه پیمانکارها در این حکومت مستبد و ستمگر وجود داشته باشد، همان اتحاد و اعتصاب جمعی کارگران همه ی شرکتهای پیمانکاری است. توسل به مقامات حکومتی، و خواهش و تمنا از اربابان قدرت و ثروت برای رسیدگی به مطالبات، که تشکلهای وابسته به حکومت برای منحرف کردن جهت اعتراضات بکار می برند، نه لازم است، نه مفید و چاره ساز است. باید اعتصاب کرد و برای اعتراض به خیابان آمد و چه بهتر که خانواده ها را نیز با خود به خیابان آورد و دامنه اجتماعی اعتراضات را فراتر کرد.

**از مبارزه کارگران برای انحلال شرکتهای پیمانکاری و واسطه ای و علیه قراردادهای موقت
تحمیلی حمایت می کنیم!**

ایجاد کار برای بیکاران وظیفه دولت است!

به بیکاران باید حقوق پرداخت شود و تحت پوشش تامین اجتماعی قرار داشته باشند!

تغییر قانون بیمه بیکاری گام دیگری در راستای بی حقوق سازی نیروی کار

صادق



آمار دقیقی هیچگاه از طرف نهادهای رسمی در خصوص تعداد بیکاران داده نمی شود. آمارهای هم که می دهند مهندسی و دستکاری شده هستند. برای اینکه آمار واقعی را ندهند، حتی مبنای آمارگیری را نیز تغییر می دهند و کسی را که در هفته دوساعت کار داشته باشد جز آمار اشتغال دارها جا میزنند.

آخرین آمار رسمی منتشر شده، تعداد بیکاران را ۸.۳ درصد اعلام کرده است، که البته کمتر از نیمی از آمار واقعی است که کارشناسان برآورد میکنند. طبق آخرین آمار ۲ میلیون و ۳۳۳ هزار نفر بیکار هستند. اما به گفته یکی از معاونان وزارت کار تنها ۱۷۰ هزار از بیکاران حقوق دوران بیکاری می گیرند.

افزون بر آن بالغ بر ۲ میلیون و ۹۰۰ هزار نفر نیز اشتغال ناقص یا در واقع کار پاره وقت داشته اند.

طبق گزارش اداره آمار، "حدود ۶۳ میلیون و ۷۰۲ هزار نفر جمعیت ۱۵ ساله و بیشتر در کشورمان داریم که از این تعداد ۲۶ میلیون و ۱۱۲ هزار نفر جمعیت فعال (نرخ مشارکت اقتصادی) هستند. همچنین از این تعداد ۲۳ میلیون و ۷۷۹ هزار نفر جمعیت شاغل و ۲ میلیون و ۳۳۳ هزار نفر جمعیت بیکار هستند"

با وجود برخورداری عده قلیلی از بیکاران از حقوق بیکاری، (۱۷۰ هزار نفر) که بر خلاف میل خود بیکار شده اند و با وجود نارضایتی آنان از حقوق اندک بیکاری، دولت تصمیم گرفته مدت برخورداری از حقوق بیکاری را با تغییر قانون بیمه بیکاری کم و سقف آن را به ۲۴ ماه برای مجردها و ۳۰ ماه برای متاهل ها کاهش دهد. این سقف البته شامل همه بیکاران نمیشود و آن گروه از آنها را شامل می شود که ۲۴۰ ماه حق بیمه پرداخته باشند.

رعیتی فر " معاون صولت مرتضوی وزیر کار دولت ضد کارگر رئیسی اذعان نموده، که هدف این " وزارتخانه" اصلاح قانون بیمه بیکاری با هدف کاهش پرداخت است

او پرداخت "طولانی" حقوق بیکاری را باعث از دست دادن انگیزه بیکاران برای بازگشت به کار عنوان کرده و گفته است "پیشنهاد ما تغییر جدول پرداخت مقرری بیمه بیکاری است. بر این اساس پیشنهاد دادیم



مقرری مجردینی که بالای ۲۴۰ ماه بیمه‌پردازی دارند، حداکثر ۲۴ ماه و مقرری متاهلین حداکثر ۳۰ ماه تعلق بگیرد. این عدد قبلاً ۲۶ ماه برای مجردین و ۵۰ ماه برای متاهلین بود که شاید با این کار، افراد انگیزه‌ای برای بازگشت به کار نداشتند. با اصلاح قانون بیمه بیکاری کمک بیشتری به پایداری صندوق و ثبات بازار کار "می‌شود"

کاهش سقف حقوق بیکاری به بهانه ی واهی مشابه بهانه های پیشین برای بی حقوق سازی نیروی کار و در راستای سیاست برده و مطیع سازی نیروی کار، پائین آوردن دستمزدها و محروم کردن کارگران از هر امکان قانونی برای دفاع از حقوق خود و محکوم کردن بی کاران به گرسنگی می باشد

هیچ یک از کسانی که در اثر بیکاری ناخواسته تحت پوشش بیمه بیکاری درآمده‌اند، از بیکار شدن و حقوق ناچیز دوران بیکاری راضی نبوده و نیستند و ترجیح می دهند اگر کار پیدا کنند به سر کار بازگردند. چرا که با دستمزد اشتغال هم چرخ امور اولیه زندگی شان نمی چرخد، تا برسد به حقوق ناچیز بیکاری که بسیار کمتر از همین دستمزدهای اندک می باشد و کارگر برای گرفتن آن ناچار است از هفت خوان رستم بگذرد

رژیم با نصف کردن حقوق ناچیز بیکاری می خواهد کارگران را تبدیل به بردگان کم جیره و مواجب خود و سرمایه داران نماید

تامین کار و ایجاد اشتغال وظیفه دولت است، بیکاری گسترده که دولت سعی می کند با دادن آمارهای جعلی آن را انکار کند، نتیجه سیاستهای ضد مردمی رژیم است

حقوق بیکاری بخشی از حقوق کارگران و بی کار شدگان و بیکاران است و مادامی که رژیم برای بی کاران کار ایجاد نکرده است باید به همه ی بیکاران آماده به کار پرداخت شود و میزان آن به اندازه‌ای باشد که کفاف هزینه‌های زندگی بی کاران را بدهد

ادعای دولت برای کاهش سقف زمانی حقوق بیکاری مستمکی است برای دور تازه‌ای از بی حقوق سازی توسط رژیم استبدادی و عدالت ستیز فقهاتی. دلیل اینکه رژیم قادر می شود همه ی قوانین رفاهی و حقوق کارگر را که نتیجه مبارزات صد ساله طبقه کارگر هستند یکی پس از دیگری از میان بردارد، غیر از بی سازمانی و پراکندگی و نفوذ تفرقه در جنبش کارگری و سکتاریسم حاکم بر سازمانهای کارگری موجود نیست. بر این وضعیت باید تلاش کرد با سازماندهی، ایجاد تشکلهای مستقل، ایجاد اتحاد و همبستگی و همکاری بر سر خواسته های عمومی جنبش و احیای قدرت جنبش کارگری به این تهاجمات بی وقفه رژیم نقطه پایان نهاد

کار، رفاه، آزادی، کرامت انسانی!

غیر مترقبه نبود، قابل پیش بینی و پیشگیری بود!

پیرامون کشته شدن ۶ کارگر دیگر در انفجار معدن طزره***

صادق کار



متاسفانه ۶ کارگر دیگر در معدن ذغال سنگ طزره در اثر انفجار در عمق ۴۰۰ متری معدن کشته شدند. صولت مرتضوی وزیر کار رژیم و وزیر کشور که پس از فاجعه در محل معدن حضور پیدا کردند، هر دو حادثه را غیرمترقبه خواندند. اما واقعیت آن است که حادثه نه تنها غیرمنتظره و مترقبه نبود، بلکه قابل پیش بینی بود و می شد مانع وقوع آن شد.

این سومین حادثه در معدن طزره طی سالهای اخیر بود. علت اصلی هر سه حادثه، عدم رعایت قوانین و نبود امکانات پیشگیرانه و عدم بازرسی بازرسان اداره کار به رغم سابقه بد مدیریت معدن در رعایت مسائل ایمنی و هشداردهنده بود.

نکته‌ای که وزیر کار نیز به رغم غیرمترقبه خواندن فاجعه در مصاحبه خود نتوانست آن را انکار نماید. این حادثه و حوادث قبلی رخ داده در این معدن که تنها یک نمونه از حوادث پرشمار و پر تلفات کار است، با اندکی هزینه و اجرای قوانین ایمنی موجود و حضور تشکل سندیکایی، در محل کار قابل پیشگیری بود. اما رخ داد و در آینده تکرار خواهد شد، برای این که دولت و کارفرمایان برای جان کارگر ارزشی قائل نیستند و بخاطر کسب سود بیشتر حاضر نیستند برای تامین ایمنی و بهداشت محیط کار اندکی هزینه کنند. آنها اساساً دنبال رفع این پدیده فزاینده که تنها در یک سال باعث قتل ۱۹۰۰ کارگر و مجروح و مصدوم شدن ده ها هزار نفر دیگر شده نیستند.

سال به سال تعداد حوادث کار بیشتر می شود و وزیر کار به جای رفع مشکل، آمار جعل می کند و قوانین حمایتی را از میان برمی دارد و زمینه برای چنین حوادثی ایجاد می نماید. ادارات کار نیز اساساً بنا به دستور از بالا به وظایف خود که نظارت بر رعایت قانون است عمل نمی کنند.



دستگاه قضایی نیز اگر گاه مسئول حادثه‌ای را محاکمه می‌کند، محکومیت طرف آنقدر آبیکی است که موجب تغییر رویه کارفرما نمی‌شود. به خانواده کار نیز که نان آور و عزیز خود را از دست داده در نهایت مقداری به عنوان دیه پرداخت می‌کنند و قضیه را هر بار رفع و رجوع می‌کنند، بدون آن که اقدامی اساسی برای جلوگیری از این فجایع بنمایند. جلوگیری از حوادث کار چندان دشوار نیست، تنها با تشکیل سندیکا در محل کار می‌شود تعداد حوادث کار و قربانیان پرتعداد آن را ظرف مدت یک سال به نصف رساند. یعنی برقراری نظارت کارگری بر اجرای درست قوانین حمایتی و بهداشت محل کار تنها توسط تشکل مستقل کارگری امکانپذیر است. کاری که در بسیاری از کشورها که کارگران از آزادی و حقوق سندیکایی برخوردارند، انجام می‌شود و نتیجه داده است. اما در جمهوری اسلامی هر تلاش برای تشکیل تشکل سرکوب می‌شود و کوشندگان آن به زندان انداخته می‌شوند. با وضعیت فعلی متأسفانه انتظار می‌رود که روند افزایش حوادث کار و همچنین شمار قربانیان آن تداوم پیدا کند. بهر حال به قول و قرار وزیر کار و سایر مسئولان مبنی بر رسیدگی به حادثه پیش آمده، نمی‌شود اعتماد کرد. برای تغییر این وضعیت و جلوگیری از فجایع بیشتر خود کارگران باید به جد پیگیر مرگ همکاران شان و علل آن باشند



تجمع بازنشستگان مخابرات در چند شهر
بازنشستگان مخابرات ایران در اعتراض به عدم اجرای کامل آیین‌نامه سال ۸۹ تجمع کردند
به گزارش خبرنگار ایلنا، بازنشستگان مخابرات ایران امروز، دوشنبه ۱۳ شهریور ماه، در اعتراض به عدم اجرای کامل آیین‌نامه سال ۸۹ در استانهای تهران، هرمزگان، گیلان، خراسان رضوی، مرکزی، اصفهان، کرمانشاه، خوزستان و کهگیلویه و بویراحمد تجمع کردند
این بازنشستگان همچنین به عدم پرداخت رفاهیات و خوار و بار، مشکلات مربوط به بیمه تکمیلی و افزایش سهم پرداختی بیمه‌ی خود معترض هستند



جعفر ابراهیمی به دلیل بیماری و عدم رسیدگی پزشکی در معرض نابینایی قرار دارد و امروز همان ها که عامل کشته شدن جواد روحی هستند، به جای اعزام جعفر ابراهیمی به مرخصی درمانی یا بیمارستان، او را به همراه کامیار فکور به زندان قزلحصار تبعید کردند



تجمع جمعی از بازنشستگان فولاد در تهران
شماری از بازنشستگان صندوق فولاد در روزیکشنبه (۱۱۲ شهریورماه) در تهران دست به تجمع صنفی زدند.

بازنشستگان، مهم‌ترین خواسته‌های خود را اجرای آیین نامه و قوانین خاص فولادی و احیای جایگاه آن عنوان کردند و گفتند: ما خواستار اجرای کامل همسان‌سازی، دریافت مطالبات معوقه، تضمین اجرای تعهدات درمانی مطابق با آیین‌نامه فولاد و افزایش حقوق سال ۱۴۰۲ خود بر اساس نرخ تورم هستیم



از متن:

پیام همدردی سندیکای کارگران نیشکر هفت به خانواده و بازماندگان فاجعه معدن طزره دامغان
سندیکای کارگران نیشکر هفت از این طریق به بازماندگان خانواده این عزیزان تسلیت می گوید

نباید فراموش کرد که صاحبان ثروت، پول و قدرت در ایران عامل قتل عام کارگران هستند و تحت عنوان
حوادث کار، نباید ما نسبت به اینگونه جنایت ها بی تفاوت باشیم. باید کار فرمایان و صاحبان سرمایه به
دلیل قتل عام کارگران محاکمه شوند و همزمان خواستار محیط کاملاً امن، همراه با تجهیزات مدرن و
استاندار جهانی در محیط کار باشیم تا از قتل عام بیشتر کارگران جلوگیری شود

یاد کارگران به قتل رسیده را گرامی می داریم

از اعتراضات و مطالبات بازنشستگان حمایت کنیم!

نابود باد استبداد و بی عدالتی، زنده باد آزادی و برابری

*** برای تماس با نشریه "جنگ کارگری" می توانید با آدرس زیر تماس بگیرید:**

*** "جنگ کارگری" نشریه گروه کار کارگری حزب چپ ایران (فدائیان خلق) را
می توانید در آدرس زیر ببینید:**

<https://bepish.org/taxonomy/term/457>